مبعدات حمل «ازدی» بر نیت زیادی

در ذهن من سه نکته برای تضعیف بحث نیت هست. یعنی در اینکه ما بگوییم این وجه روشنی است و مویداتی دارد. در این مویدات حرفی نیست، دلالتش روشن است. اما آیا در حدیث فقیه، حدیث هشتم باب ششم، سیاق «لان افطر یوما من شهر رمضان احب الیّ» با این میسازد «احب الی من اصوم یوما من شعبان ازدیه فی شهر رمضان» یعنی «ازدیه فی نیتی علی انه من شهر رمضان»؟! این یک مبعداتی دارد. من آنها را به‌عنوان صرفاً بحث طلبگی عرض میکنم.

الف) عدم موافقت طبع عرف با روزه یوم الشک به نیت ماه مبارک

اولین آنها این است که اگر مقصود از «ازدیه» نیت است، خلاف طبع نوع مردم است. یعنی وقتی نوع مردم شک دارند که ماه مبارک هست یا نیست، طبعشان اباء دارد که بگویند فردا ماه مبارک است و روزه میگیرم. یعنی اگر مردم در یوم الشک بخواهند نیت کنند غلبه در طبعشان این نیست که با اینکه یوم الشک است انوی انه من رمضان.

شاگرد: موافق احتیاط است. یعنی اگر ماه رمضان بود روزه آن را گرفته‌ام.

استاد: اگر محتاط است نیت ماه مبارک نکرده است.

> 42:37

شاگرد: من که دارم روزه میگیرم لذا نیت ماه رمضان میکنم که تام الاجزاء و الشرائط باشد.

استاد: غلبه ناس با این است؟! یعنی فطرت مردم در وقتی که نمیدانند فردا ماه رمضان هست یا نیست، میگویی خب من نیت ماه مبارک میکنم؟! فطرت این است؟!

شاگرد: چون میخواهد ثوابش را ببرد اینطور میکند.

استاد: صحبت سر غلبه است. نگفتم کسی که اینطور میکند محال است. بلکه میگویم فطرت عرف عام در روزی که شک دارند چیست؟ ما کاری به استحاله نیت کردن شخص نداریم... .

شاگرد: اینکه وقتی روزه میگیرم بگویم روزه ماه رضان نیست، برای من بعید است. وقتی عرف میگوید روزه میگیرم یعنی برای ماه رمضان میگیرم. اصلاً بین آنها تفاوت نمیبینند.

استاد: اگر اینطور است عرض من غلبه است. نه استحاله آنکه کسی به این صورت نیت کند. غلبه مردم؛ وقتی مردم نوعاً نمیدانند فردا ماه مبارک هست یا نه، در صد نفر به این صورت نیت میکنند که فردا را به نیت ماه مبارک روزه میگیرم؟! عرض من این است.

شاگرد:... .

استاد: آنکه احتیاط است، آن خیلی روایات دارد. در آنکه حرفی نیست. صحبت سر این است که اصوم علی انه من شهر رمضان.

شاگرد۲: اگر غلبه با این باشد که اصلاً روزه نگیرند چطور مبعد این جمع میشوند؟ اگر غلبه با این باشد که مردم بگویند حال که ما شک داریم ماه مبارک هست یا نه فردا را روزه نمیگیریم.

استاد: اصلاً شارع هم همینطور تورج کرده، بخاطر عللی.

شاگرد۲: چطور مبعد این جمع میشوند؟

استاد: مبعد اینکه «ازیده» یعنی «ازیده» بنیتی باشد. حضرت دارند زیادی به نیتی را میگویند که فردی خلاف متعارف مردم است.

شاگرد: چرا میفرمایید خلاف متعارف؟

استاد: بخاطر اینکه متهافت است با موضوع. وقتی یک کاری متهافت با فرض خود مسأله است، فردهایش پایین میآید. فرض مسأله چیست؟ یوم الشک؛ نمیداند. بعد میگوییم خب نیت ماه مبارک را میکند. در اینجا داریم خلاف فطرت فرض مسأله را به ذهن عرف عام تحمیل میکنیم. عرف این کار را نمیکند. احتیاط میکند اما اینکه بگوید «اصوم من شهر رمضان»، صحیح نیست.

شاگرد: ماه را ندیدهاند اما در تقویم آنها آمده ماه مبارک است. خب کسی که میخواهد روزه بگیرد به حساب رؤیت یوم الشک است اما به حساب تقویم، یوم الشک نیست.

استاد: شما تقویم را آوردی تا او را از شک دربیاوری. یعنی کاری کردی که فرض مسأله کمرنگ شود. یوم الشک واقعی است ولی وقتی طرف به تقویم نگاه میکند الصلاً توجه ندارد.

شاگرد۲: چه تضمینی میدهید این ارتکازی که گفتید بخاطر زیاد گفتن نهی از صوم یوم الشک نباشد؟ و الا در حالت طبیعی معلوم نیست اینطور باشد. اتفاقا در حالت طبیعی بهدنبال آن میافتد. مگر اینکه یک چیزهایی آمده باشد که این کار را نکنید و بدعت است.

ب) عدم تناسب حکم و موضوع

استاد: علی ای حال من چند نکته داشتم. نیت اختیاری و شبهه حرمت. دو چیز دیگر هم بود. سریع اشاره میکنم تا روی آن تأمل کنید.

مبعد دوم؛ تناسب حکم و موضوع است. حضرت میفرمایند «لان افطر احب» و حال آنکه وقتی متشرعه شک دارد بخواهد جزما –نه احتیاط- نیت ماه مبارک بکند در ذهن خود متشرعه، شبهه حرمت میآید. تناسب احب با شبهه حرمت تناسب حکم و موضوع خیلی تامی نیست. احب این است که این کار را بکنم، درحالیکه شبهه حرمت هست.

ج) دو گزینه بودن نیت و لزوم اشاره به گزینه درست

سوم؛ اگر مقصود از «ازید» نیت بود اینجا جای «احب ان افطر» نیست. فطرت و مناسبتی که اینجا دارد به این خاطر است که نیت دو گزینه دارد. در دو گزینه حضرت گزینه درست را یادش میدهند. «لان انوی صومی من شعبان احب الی ان انوی انه من رمضان». نیت به دست ناوی است. حضرت او را دور میکند از روزه گرفتن و میگویند که روزه نگیر؟! خب میگویند نیت دست خودت است. «لان انوی انه من شعبان احب الی من ان انوی...». پس وقتی ما میبینیم اگر «ازید» نیت بود گزینهها به دست چه کسی بود؟ علاج آن ترک صوم نبود. چرا؟ چون نیت به دست ناوی است. وقتی کلام حضرت در نیت صائم است برای او طرفین نیت را توضیح میدهند. نه اینکه بگویند روزه نگیر؛ «لان افطر احب الی»؛ بلکه میگویند «لان انوی صومی من شعبان احب الی من ان انوی من رمضان». چون اختیار نیت به دست ناوی است و طرفینش به دست خودش است.

من این را به این خاطر عرض کردم، نه اینکه کلاً نیت را کنار بگذارم. برای این عرض کردم که اینها را نگاه کنید «ازید» احتمال دیگری دارد که من برای آن سه-چهار وجه دارم. حالا دیگر تمام شد. انشاءالله شنبه. سه-چهار وجه هست که «ازید» مربوط به نیت نباشد. وجه های مهمی که شارع معمولاً به آنها نظر دارد. آن سه-چهار وجه پشتوانه این شده که حضرت کلمه «ازید» را به کار ببرند. «ازید» غیرنیتی؛ بگویند روزه را میگویم و انوی، نه اصلاً نمیخواهم. ولو به نیت شعبان هم باشد آن را نمیخواهم. چرا؟ بهخاطر آن عنوانی. اگر هم اشکالات در نیت را نپذیرید من این مقدمه کردم برای آنکه «ازید» برای غیرمرتبط با نیت باشد.

شاگرد: «علی انها من رمضان» میشود بهغیراز نیت هم باشد. «علی انها من رمضان» ممکن است به این خاطر باشد که بگوید امروز روز اول است. بهخاطر تقویم و منجم بوده که آنها میگفتند آنها روز اول است. اما ما میگوییم باید رؤیت باشد.

استاد: احتمال خوبی است. به این معنا حتی روایات عدد را هم میگیرد. بیان شما تیری به روایات عدد میزند.

شاگرد: چون یک مویدی هم دارد. خیلی از جاهایی که از صوم یوم الشک نهی کردهاند در جایی بوده که «صم للرؤیة و افطر للرؤیة» آمده بود. این قرینه میشود برای شخصی که میخواهد یوم الشک را روزه بگیرد درحالیکه نمیخواهد با رؤیت کار کند.

استاد: یعنی صرف نیت نیست. دارد موضوع درست میکند. نه اینکه نیت بیاورد. آن هم مطلب خوبی است.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 14:00:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 14:02:35 توسط ... .